



طب ذهن بدن

تکامل انرژی

تکامل انرژی

حال که به تفصیل مراکز انرژی را توضیح دادم، بگذارید نگاه پویاتری به طرز کار آنها بیندازیم. آنچه واضح است اینکه بدن ما طوری طراحی شده است که در هر یک از مراکز مذکور از انرژی استفاده کند؛ اما چه می شود اگر انرژی مان را فقط برای بقا بکار نگیریم؟ چه می شود اگر بجای رهاسازی تمام انرژی مان را فقط برای بقا بکار نگیریم؟

چه می شود اگر بجای رهاسازی تمام انرژی مان به سمت بیرون (تولیدمثل، گوارش غذا، فرار از خطر و غیره)، پیوسته

کمی از آن انرژی را از یک مرکز به مرکز دیگری بفرستیم و در
حین این انتقال، فرکانس آن را افزایش دهیم؟

چگونه فرکانس مراکز انرژی را افزایش دهیم؟

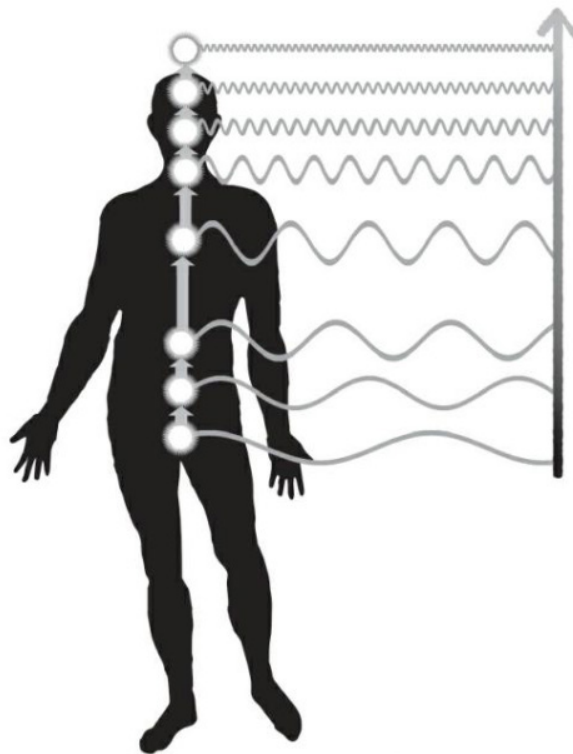
در این صورت این‌گونه خواهد شد؛ ابتدا باید انرژی سازنده
مرکز اولمان را مسیردهی کنیم. وقتی ما به قدر کافی احساس
امنیت می‌کنیم و می‌توانیم بیافرینیم، این انرژی سازنده
تکامل پیدا کرده، بالا می‌رود و به مرکز دوم وارد می‌شود.
وقتی مجبوریم بر محدودیت یا مشکلی در محیطمان غلبه
کنیم، می‌توانیم از این انرژی سازنده استفاده خوبی بکنیم؛
و سپس این انرژی وارد مرکز سوم می‌شود - جایگاه اراده و
قدرت ما.

وقتی می‌توانستیم با موفقیت از فلاکت‌های زندگی عبور
کنیم (فلاکت‌هایی که باعث شده ما به چالش کشیده
شویم، رشد کنیم و بر آنها فائق بیاییم)، فرصت پیدا
می‌کنیم که احساس کمال، آزادی و رضایت بیشتری داشته
باشیم و وقتی این انرژی وارد مرکز چهارم شد و آن را
فعال کرد، می‌توانیم احساس عشق به خود و دیگران را

تجربه کنیم. وقتی چنین شد، ما خواهیم خواست حقیقت کنونی‌مان چیزهایی که آموخته‌ایم یا عشق و کمالی که حس می‌کنیم را بیان کنیم و این امر به انرژی امکان می‌دهد وارد مرکز پنجم شود. پس‌ازآن، وقتی تکامل انرژی سبب فعال شدن مرکز ششم شد، ناحیه‌های خفته مغز باز می‌شوند، طوری که پرده‌های توهم از جلوی چشم ما کنار رفته و می‌توانیم طیف وسیع‌تری از واقعیت را درک کنیم. وقتی احساس کردیم که روشن‌شده‌ایم، بدن وارد هماهنگی و توازن بیشتری می‌شویم و وقتی انرژی وارد مرکز هفتم شد و آن را فعال کرد، محیط بیرونمان (از جمله دنیای طبیعت اطرافمان) نیز وارد توازن و تعادل بیشتری می‌شود. وقتی این انرژی روشنگر را حس کردیم، احساس ارزشمندی به ما دست می‌دهد و انرژی می‌تواند بالاتر رفته و مرکز هشتم را فعال کند و در این هنگام ثمره تلاش‌هایمان را مشاهده می‌کنیم؛ ویژن‌ها، رؤیاهای، بینش‌ها، تجلی‌ها و دانشی که نه از درون ذهن و بدن، بلکه از قدرت برتر درون و اطراف ما نشئت‌گرفته‌اند. این جریان مداوم تکامل انرژی از مرکز اول تا مرکز هشتم در شکل زیر نشان داده شده

است.

جریان انرژی سازنده در بدن



وقتی ما انرژی سازندهمان را تکامل می‌بخشیم، این انرژی می‌تواند از مرکز اول به مغز و به فراتر از مغز انتقال

یابد. هر یک از مراکز انرژی فرکانس خاص خود را دارد که نیت خاص خودش را حمل می‌کند.

اما همیشه انرژی افزایش نمی‌یابد!

این همان نوع کمال شخصی‌ای است که در صورت برقراری جریان مداوم انرژی به وجود می‌آید؛ اما اتفاقی که اغلب اوقات می‌افتد این است که رویدادهای زندگی

ما و واکنشی که به آنها نشان می‌دهیم باعث می‌شود انرژی‌مان گیر بیفتد و نتواند مطابق این الگوی شکوهمند به جریان دربیاید. جاهایی که انرژی در بدن گیر می‌افتد مراکز انرژی مربوط به بافت‌هایی هستند که شما درگیرشان کرده‌اید. شکل زیر نشان می‌دهد که وقتی انرژی گیر می‌افتد و نمی‌تواند به مراکز انرژی بالاتر جریان پیدا کند، چه اتفاقی می‌افتد.

انرژی چگونه گیر می‌افتد



انرژی گیر می‌افتد!

وقتی انرژی در بین گیر بیفتد، نمی‌تواند به مراکز بالاتر جریان پیدا کند. از آنجاکه احساسات انرژی هستند. این احساسات در مراکز مختلف گیر می‌افتند و لذا ما نمی‌توانیم به کمال برسیم.

برای مثال اگر شخصی مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته باشد و یا از زمان کودکی نسبت به این ایده شرطی شده باشد که رابطه جنسی بد است، آنگاه انرژی وی در مرکز اول، یعنی مرکز مربوط به امور جنسی، گیر می‌افتد و این شخص ممکن است در زمینه آفرینش به مشکل برخورد.

اما اگر شخصی بتواند به انرژی سازنده‌اش دسترسی پیدا کند ولی به قدر کافی احساس امنیت نکند تا از آفرینش خود در دنیا استفاده کند (و در عوض احساس کند قربانی روابط اجتماعی و بین شخصی خود شده است) یا اگر داغ‌دیده باشد و شخص دیگری به وی خیانت کرده باشد، ممکن است این انرژی را در مرکز دوم خود نگه دارد. چنین شخصی ممکن است احساس گناه، شرم، رنج، عزت‌نفس

پایین یا ترس کند. حال اگر شخصی بتواند انرژی خود را به مرکز سوم برساند اما به مشکلات غرور و خودبزرگ بینی دچار شده باشد و احساس خود مهم بینی، خودشیفتگی، کنترل، سلطه خواهی، خشم، رقابت و تلخ کامی کند، آنگاه انرژی وی در مرکز سوم گیر می افتد و درزمینه کنترل و انگیزش به مشکلاتی برمی خورد. اگر شخصی نتواند قلب خود را بگشاید و عشق و اعتماد را احساس کند و یا اگر بترسد عشق و احساس حقیقی خود را ابراز کند، آنگاه انرژی به ترتیب در مرکز چهارم و پنجم گیر می افتد. انرژی می تواند در هر یک از مراکز گیر بیفتد، اما معمولاً در سه مرکز اول این اتفاق می افتد. وقتی انرژی گیر افتاد، نمی تواند تکامل یافته و به شیوه ای که توضیح دادم به جریان دربیاید و آن مرکز بالاتر را روشن کند که در اثر فعالیت آن ها عاشق زندگی می شویم و می خواهیم بخشنده گی کنیم. هدف از مراقبه تبرک مراکز انرژی این است که جریان در این مدار به درستی برقرار شود، ما هر یک از این مراکز را تبرک می کنیم تا بتوانیم انرژی گیر افتاده در آن ها را دوباره به جریان بیاوریم.

حال دوره ماورایی شدن به شما کمک می‌کند انرژی‌های
گیر افتاده خود را آزاد کنید تا به بالاترین مرکز انرژی برسید
و به نهایت کمال خود برسید. مراقبت از حال خوب خودتان
وظیفه شما در این دنیا است.

محصول پیشنهادی برای تکمیل این مقاله :



برای خرید محصول این جا کلیک کنید